

استانداردهای ایماندار ۱۲

دعا

خادم خدا فیروز خانجانی

کلیسای ایران

بازنگری شده - بهار ۱۳۹۹

مدتی است که مبحث خود را پیرامون بررسی موعظه‌ی سر کوه آغاز کرده‌ایم. امروز قصد دارم در ادامه‌ی روند به موضوع «عدالت و دعا» بپردازم. در این خصوص در متی ۱:۶ خواندیم: «زنهار عدالت خود را پیش مردم بجا میاورید تا شما را ببینند والا نزد پدر خود که در آسمان است، اجری ندارید.» از نظر کتاب مقدس عدالت متشکل از سه مهم می‌باشد: ۱. صدقه یا رحمت ۲. دعا ۳. روزه. جلسه‌ی پیش در خصوص چگونگی کمک به دیگران مطالبی عنوان شد و امروز شرایط لازم برای دعا که دومین اصل عدالت محسوب می‌شود را تشریح می‌کنیم. ابتدا آیات مورد نظر را از متی ۵:۶-۸ بخوانیم.

و چون عبادت کنی، مانند ریاکاران مباش زیرا خوش دارند که در کنایس و گوشه‌های کوچه‌ها ایستاده، نماز گذارند تا مردم ایشان را ببینند. هرآینه به شما می‌گویم اجر خود را تحصیل نموده‌اند.

لیکن تو چون عبادت کنی، به حجره خود داخل شو و در را بسته، پدر خود را که در نهان است عبادت نما و پدر نهان بین تو، تو را آشکارا جزا خواهد داد.

و چون عبادت کنید، مانند امت‌ها تکرار باطل مکنید زیرا ایشان گمان می‌برند که به سبب زیاد گفتن مستجاب می‌شوند.

پس مثل ایشان مباشید زیرا که پدر شما حاجات شما را می‌داند پیش از آنکه از او سؤال کنید.

خداوند به کلام خود برکت دهد. چند لحظه دعا کنیم. ای خداوند، کلام تو مبارک است. خداوندا با روح قدوس خود، ما را به درک عمیق کلامت هدایت فرما. در نام عیسی مسیح. آمین. پیداست که دعا یکی از مهمترین ارکان زندگی یک ایماندار است، زیرا در دعا با خدا صحبت می‌کنیم و از او می‌شنویم. دعاها را نباید یک طرفه باشد بلکه در پی هر دعا باید منتظر شنیدن پاسخ خدا نیز بود. البته خداوند به طرق مختلف با ما سخن می‌گوید: گاهی از طریق

یک صدا و گاهی از راه مطالعه‌ی کلامش و غیره. بر هر یک از ماست تا برای فراهم آمدن آن لحظه‌ی مقدس گفتگو با خدا، بهترین شرایط را مهیا کنیم تا هنگامی که خداوند بر در خانه‌ی ما می‌کوبد، با آمادگی کامل آن را بگشاییم و آماده‌ی شنیدن سخن و صدایش باشیم.

به این فکر کنید که برای گفتگو با دیگران معمولاً چه مکان‌هایی را انتخاب می‌کنیم؟ آیا محل شلوغ و پر رفت و آمد، برای یک گفتگوی مهم و جدی مناسب است؟ آیا نباید برای چنین صحبت‌هایی علاوه بر فراهم آوردن محیطی مناسب، خود را نیز آماده کنیم؟ خصوصاً اگر این مکالمات جنبه‌ی حیاتی داشته باشد! این مسئله درباره‌ی دعای کتاب مقدسی نیز صادق است. مسیح به ما طرز دعا کردن، نحوه‌ی پرستش، چگونگی حاضر شدن در پیشگاه خدا و همچنین طریق کسب بهترین نتیجه‌ی ممکن از این گفتگو (دعا) را می‌آموزد.

در متن اصلی، در آیه‌ی ۵ فعل به صورت جمع آمده است: «و چون شما عبادت می‌کنید...» این امر بر ما آشکار می‌سازد که مسیح جماعت خود را از سایر یهودیان متمایز می‌کند و به آنها می‌گوید: چون شما (ایمانداران، مسیحیان) عبادت می‌کنید مانند ریاکاران نباشید!

از متن کتاب مقدس پیداست در آن زمان یهودیان روزی سه بار دعا می‌کردند. «و شامگاهان و صبح و ظهر شکایت و ناله می‌کنم و او آواز مرا خواهد شنید.» (مزمور ۱۳۷:۵۵). «اما چون دانیال دانست که حکم امضا شده است به خانه‌ی خود درآمد و پنجره‌های بالاخانه‌ی خود را به سمت اورشلیم باز نموده، هر روز سه مرتبه زانو می‌زد و دعا می‌نمود و چنانکه قبل از آن عادت می‌داشت، نزد خدای خویش دعا می‌کرد و تسبیح می‌خواند.» (دانیال ۶:۱۱).

در آن روزگار بسیاری از یهودیان قبل از زمان عبادت به کوچه و خیابان می‌رفتند تا هنگام دعا دیده شوند. فریسیان به محض فرارسیدن ساعت عبادت، در میداین اصلی شهر و در منظر دیگران به دعا می‌پرداختند، عده‌ای نیز اگرچه به کنیسه می‌رفتند اما برنامه‌ی خود را طوری تنظیم می‌کردند که هنگام عبادت در معرض دید مردم قرار داشته باشند. این جریان امروزه در

بسیاری از نقاط دنیا نظیر کشورهای خاورمیانه و یا آفریقای شمالی رایج است، البته در کشور ما این مسئله کمرنگ‌تر از قبل شده است. در بعضی از کشورها مردم هنوز هم هنگام فرارسیدن ساعت عبادت، زیر یک درخت و یا در یک باغچه مراسم مذهبی خود را به جا می‌آورند که این امر برگرفته از سنت‌های یهودیان است. مسیح چنین افرادی را ریاکار (بازیگر) می‌خواند زیرا در واقع آنها در صحنه‌ی جامعه تنها نقش بازی می‌کنند.

چنانکه دیدم در زبان یونانی برای واژه‌ی «ریاکار» از «Hypokrites» به معنای «بازیگر» استفاده شده است که با واژه‌ی عبری «حَنَف - hanef» به معنای «آلوده‌کننده» مترادف می‌باشد. مسیح به ما هشدار می‌دهد که مبدا به افرادی ریاکار و آلوده‌کننده تبدیل شویم. در اغلب کلیساهای سنتی افرادی که می‌خواهند از سوی بزرگان کلیسا به عنوان یک مسیحی غیور مطرح شوند و یا در پی کسب جایگاهی در کلیسا هستند، همواره با صدای بلند دعا کرده و حتی گاهی زمان زیادی از وقت دعا در جمع را به خود اختصاص می‌دهند. با این اوصاف می‌بینیم که ریاکاری فقط به یهودیان عهد عتیق منحصر نمی‌شود بلکه در برخی از کلیساها نیز به چشم می‌خورد. البته شایان یادآوری است که عیسی مسیح مخالف دعا و پرستش در جمع نیست (عبرانیان ۲۵:۱۰) بلکه مخالفت او با استفاده‌ی ابزاری از دعا به عنوان وسیله‌ای برای جلب توجه دیگران است.

به عنوان مثال ممکن است در بین اعضای کلیسا یکی کارخانه‌دار باشد که به دنبال استخدام شخصی مناسب برای یک سِمَت خوب است و درست در همان زمان برادری به منظور جلب توجه آن کارخانه‌دار، با صدای بلند و از روی ریا دعا می‌کند. یا اینکه در موردی دیگر، کسی برای جلب توجه یا به دست آوردن جایگاهی در کلیسا دعا می‌کند. چه بسا شخص به این دلیل این چنین دعا کند که دیگران متوجه مشکلات درونی و واقعیت زندگی‌اش نشوند. یا اینکه یک شخص مجرد برای جلب نظر برادر و یا خواهری که مد نظر دارد این رفتار را در پیش گرفته و

چنین دعا می‌کند. به همین منظور طوری دعا می‌کند که نه خدا بلکه خادمان، کشیشان و سایر اعضا متوجه او گردند.

مسیح می‌گوید این قبیل افراد در همان دم پاداش خود را از دیگران می‌گیرند زیرا دعایشان آن عبادت مقبول خدا نبوده بلکه هدفشان جلب توجه اطرافیان بوده است. متأسفانه بعضاً شاهد چنین دعا‌هایی در کلیسا می‌باشیم؛ کسی که قصد دارد به عنوان مرد یا زن دعا مطرح شود و به این ترتیب با دعا‌هایی که فقط ناشی از یک ایفای نقش است، به بیراهه می‌رود. دوباره تأکید می‌کنم که منظور مسیح، دعا نکردن در جمع نیست بلکه باید این موضوع را درست درک کنیم. مسیح روشن می‌کند که هدف ریاکاران از انجام این رفتار، دیده شدن توسط مردم است.

در مواقع بسیار باید در کلیسا دعا نمود تا دیگران به پرستش تشویق و ترغیب شوند لیکن این امر نباید ابزاری برای جلب توجه باشد. هرگاه عبادت به وسیله‌ای برای نیل به اهداف شخصی تبدیل شود، جلوه و بازتاب مناسبی در کلیسا نخواهد داشت زیرا امکان دارد شخصی به ریاکاری در میان اعضا کلیسا پی برد و دیگر رغبتی به حضور در جماعت نداشته باشد چون در واقع تفاوتی میان این قبیل مسیحیان و مردم عادی نمی‌بیند. این قضیه برای کسانی که با مواردی از این دست مواجه شده‌اند، ملموس بوده و هدف واقعی آن دعا برایشان روشن است.

باید این را به خاطر داشته باشیم که برخی مسائل مربوط به رابطه‌ی ما با خدا، فقط مختص خودمان است؛ به عنوان مثال به کار بردن عطای زبان‌ها (بدون ترجمه) و یا استفاده از عبارات و اصطلاحاتی در دعا که برای دیگران نامفهوم است. باید بدانیم که هر کاری راهی دارد. روشن است که یک شخص پرگو سعی در جلب توجه دیگران دارد و چه بسا از موضوعاتی صحبت کند که خیلی هم جالب نباشند زیرا به هر حال کثرت کلام، خالی از گناه نیست (امثال ۱۰:۱۹). بروز این مشکل در دعا‌های طولانی که گاهی در میان جماعت بلند می‌شود محتمل می‌باشد و این یک خطر جدی است که ایمانداران را تهدید می‌کند. از این رو مسیح می‌گوید: «... مانند ریاکاران مباش...» (متی ۵:۶). عبادت تنها برای خداست؛ زمان پرستش و راز و نیاز نباید به

جلب توجه دیگران اندیشید تا خود را به همه ایماندار بنماییم. «من ایماندار خوبی هستم، من در روح زندگی می‌کنم! و...» اگر چنین افکاری را در سر داشته باشیم شاید تا حدودی به مراد دل خود برسیم اما عملاً به ترکستان خواهیم رفت! جایی که ریاکاری متداول باشد احساس رضایت ناشی از جلب توجه اطرافیان، پاداش محسوب می‌شود و به این ترتیب نه تنها دیگران در مورد ما فریب می‌خورند بلکه خودمان نیز به مکر خویش فریب خواهیم خورد. در این صورت تبدیل به آنکه تصوّر می‌کنیم، خواهیم شد یعنی یک شخص مقدس! با خود می‌پنداریم که حتماً ایماندار خوبی هستیم و استدلالمان برای اثبات این ادعا این است که در جماعت با صدای بلند و به مدت طولانی دعا می‌کنیم. روح‌القدس نمی‌تواند چنین ایماندارنمایی را مخاطب قرار دهد زیرا عیوبی را در وی می‌بیند که خود فرد از دیدن آنها ناتوان است. و تنها دلیل این ناتوانی چیزی نیست جز اینکه او آن قدر برای خود و دیگران نقش بازی کرده که از واقعیت وجودی خویش غافل شده است.

کسی که در دعا و پرستش خود مسیر ریاکاری را پیش می‌گیرد، رفته رفته به فردی مغرور و توبه‌ناپذیر تبدیل می‌شود، همان‌طور که کلیسای لائودکیه در دل خود می‌گوید: «دولتمند هستم حال آن که هیچ چیزی ندارم». (مکاشفه ۳: ۱۷). این دسته از مسیحیان هنگام صحبت از دعا، می‌گویند: «چندین مرتبه در روز دعا می‌کنم. اگر یهودیان روزی سه بار دعا می‌کردند من بیشتر از آنها وقت خود را به دعا اختصاص می‌دهم و...» و این چنین با فریفتن و جلب توجه دیگران، آرامشی کاذب می‌یابند. آنها فقط اعمال خود را می‌بینند و بس! پس از این آیه درمی‌یابیم که مخاطب کلام مسیح ایمانداران هستند نه بی‌ایمانان.

در آیه‌ی ۶ لحن کلام خداوند تغییر می‌کند؛ در آیه‌ی ۵ متن اصلی، فعل و ضمیر جمع به کار رفته است اما در آیه‌ی ۶ از ضمیر «تو» استفاده می‌شود و بدین ترتیب هر یک از ایمانداران شخصاً و فرداً مخاطب کلام مسیح هستند. این سبک بیان در عهد عتیق نیز به چشم می‌خورد به این شکل که خدا ابتدا سخن را به جمع حاضر می‌گوید و ناگهان به فردی خاص اشاره

می‌کند. مسیح نیز با این روش به هر یک از ما می‌گوید: «لیکن تو چون عبادت کنی.» عبارتی که عنوان شد خود دلیلی است بر اینکه ما حتماً باید دعا کنیم. پرستش و دعا یک بخش مهم از زندگی ایماندار است. یهودیان با تمام مشکلاتی که داشتند سه بار در روز دعا می‌کردند. البته درست است که ما در شریعت نیستیم اما متأسفانه ایماندارانی هم دیده می‌شوند که نه تنها روزی یک بار بلکه حتی قبل از خواب هم چند لحظه دعا نمی‌کنند. حال آنکه ما به عنوان فرزندان، باید در ارتباطی دائمی با پدر خود باشیم. آیا تا به حال فکر کرده‌اید که در طول روز چه طور اوقات خود را سپری می‌کنید؟ به راستی چند ساعت بین دعا‌های شما در یک روز فاصله وجود دارد؟ به هر حال با دید مثبت، اصل را بر این قرار می‌دهیم که همه در طول روز دعا می‌کنیم و ادامه‌ی بحث را بر این مبنا پیش می‌گیریم.

در آیه‌ی ۶ چنین می‌خوانیم: «لیکن تو چون عبادت کنی. به حجره‌ی خود داخل شو و در را بسته...» در دوم پادشاهان ۴: ۳۱-۳۳ آمده است: «و جیحزی از ایشان پیش رفته، عصا را بر روی طفل نهاد؛ اما نه آواز داد و نه اعتنا نمود. پس به استقبال وی برگشته، او را خبر داد و گفت که طفل بیدار نشد. پس الیشع به خانه داخل شده، دید که طفل مرده و بر بستر او خوابیده است. و چون داخل شد، در را بر هر دو بست و نزد خداوند دعا نمود.» آمین. می‌بینیم الیشع بر خلاف کاتبان و فریسیان که در پی نمایش دادن عبادت‌های خود بودند، در را بست و دعا نمود. حجره، مخفی‌ترین قسمت یک خانه است، جایی که کسی جز صاحب‌خانه به آن دسترسی ندارد. در ترجمه‌ی قدیمی، حجره به داخلی‌ترین اتاق خانه معنی شده است و مسیح می‌گوید برای عبادت باید به چنین مکانی رفت و پدر نهان‌بین را پرستید. آری، در را ببند چون می‌خواهی مهم‌ترین گفتگوی زندگی‌ات را با مهم‌ترین شخصیت هستی انجام دهی؛ قرار است مهم‌ترین حرف‌ها را با پدر آسمانی‌ات در میان بگذاری و مهم‌ترین پاسخ‌ها را از او بشنوی پس لازم است که در درون خود خلوت کنی. برای دعا کردن باید به دنبال مکانی خلوت باشیم، جایی که دیگران ما را نبینند تا بتوانیم در روح متمرکز شویم. با ورود به نهان‌خانه و بستن درها

در اصل از دنیا فاصله می‌گیریم. در کتاب مقدس می‌خوانیم که مسیح به خاطر شلوغی خانه‌ی پطرس برای دعا به بیرون از شهر رفت و در خرابه دعا کرد. این مطلب به نوعی نشان می‌دهد که مسیح ما را برای دعا و عبادت به سمت مکان‌های خلوت سوق می‌دهد.

در کتاب دانیال خواندیم که این مرد خدا روزی سه بار پنجره‌ی اتاق خود را به سمت اورشلیم می‌گشود و دعا می‌نمود اما مسیح می‌گوید: در را ببند! **خداوند همواره در خلوت‌های ما حضور دارد و دعاهايمان را می‌شنود.** در عهد عتیق کاهن اعظم یک بار در سال وارد اتاق کوچک و کاملاً بسته‌ی قدس‌الاقداس می‌شد تا عبادت کند. اورشلیم به خاطر قدس‌الاقداس به قبله‌گاه یهودیان تبدیل شده بود و همه‌ی یهودیان چون دانیال به سمت این مکان دعا می‌کردند اما مطابق کلام مسیح در یوحنا ۴ محل عبادت خدا فقط در اورشلیم نیست بلکه همه جاست. بدین ترتیب به روشنی می‌توان دریافت که قبله‌ی ما ایمانداران فقط حضور خداست. شاید یهودیان و معتقدین به دیگر ادیان به سمت قبله‌هایی مجسم همچون اورشلیم، حیفا و... دعا کنند. اما همان‌طور که عنوان شد قبله‌ی ایمانداران عهد جدید، حضور خداست و نه هیچ چیز دیگر.

عیسی مسیح به آن زن سامری گفت: روزی خواهد رسید که نه فقط در اورشلیم و نه فقط در این کوه بلکه در هر جا خدا را در روح عبادت خواهند نمود زیرا خدا روح است و همه جا حضور دارد. از نظر روحانی، خلوت ما با خدا مانند حضور کاهن در قدس‌الاقداس است پس برای دعا و پرستش باید وارد مکان آرام و خلوت شویم زیرا در این مکان خلوت به حضور خدا داخل خواهیم شد. برای این کار ابتدا باید از معرض دید دیگران خارج شد و هر آنچه را که منجر به جلب توجه و به تبع آن حواس‌پرتی می‌شود از محیط دور کرد. سپس وارد مرحله‌ی دوم یعنی نبرد با افکاری که زمان تنهایی به سمت ما حمله‌ور می‌شوند خواهیم شد. با این اوصاف پیداست که خلوت ما نباید صرفاً جنبه‌ی فیزیکی و محیطی داشته باشد بلکه ذهنمان نیز باید از افکار مزاحم خالی شود. وقتی که افکار گوناگونی ذهن ما را احاطه کنند دیگر

نمی‌توانیم صدای خدا را تشخیص دهیم. به همین دلیل بسیاری از ایمانداران در موقع دعا قادر به کسب هدایت از خدا نیستند. چنین افرادی حین دعا به کارها و برنامه‌های خود مثل رفتن به بانک، تعمیر اتومبیل و... فکر می‌کنند و این امر راهی برای نفوذ شیطان باز خواهد کرد. آری، باید یاد بگیریم تا زمان رسیدن به حضور خدا خلوت کنیم زیرا در غیر این صورت صداهایی به گوشمان می‌رسد که ما را از شنیدن آواز خداوند عاجز می‌کند.

در عهد عتیق برای ورود کاهن اعظم به قدس الاقداس شرایط خاصی وجود داشت. او ابتدا باید خود را شست و شو داده، طاهر می‌نمود و... امروزه نیز این شرایط برای ایماندارانی که می‌خواهد به حضور خدا برسد لازم‌الاجراست اما در بافت و مفهومی روحانی، برای رسیدن به حضور خدا باید خود را از هر نجاست و افزونی شر پاک کرد، باید ذهن خود را از هر فکر و اندیشه‌ای تهی نمود تا بتوان صدای خداوند را تشخیص داد، خداوند در خلوت‌های واقعی حضور خواهد داشت و آواز خود را به گوش ما خواهد رسانید. اما اگر برای عبادت به مکان‌های خلوت نرویم و به جلب نظر دیگران توجه کنیم و تابلوی ورود ممنوع را از سر راه افکار دنیوی برداریم، چنان ترافیکی ایجاد خواهد شد که شنیدن صدای خدا را غیر ممکن می‌سازد. پدر آسمانی در نهان است، در حجره‌ها و خلوتگاه‌های ما نه در شلوغی و ازدحام و تشویش.

درست است که بر طبق وعده‌ی خدا هرگاه ایمانداران در نام عیسی جمع شوند، او در میان ایشان حاضر خواهد بود اما در این قسمت، صحبت از رازگهان است. او به ما می‌آموزد که برای شنیدن صدای خداوند باید به مکان خلوت رفت، به قدس الاقداس و آن وقت می‌توان پدری را که در نهان است ملاقات نمود.

امروزه در میان ایمانداران افرادی همچون یهودیان عهد عتیق بر این باورند که تنها در مکانی خاص مانند کلیسا می‌توان خدا را عبادت و ملاقات کرد. البته ناگفته نماند که خدا به افراد حاضر در کلیسا و در مشارکت‌ها برکتی ویژه عطا می‌کند. در باب نخست کتاب اول سموئیل می‌بینیم که القانه، پدر سموئیل، لاوی و کاهن بود اما وقتی همسرش در هیکل دعا

کرد و عیلی نیز از خدا برای او برکت طلبید، این برکت وارد زندگی او شد و سموئیل به دنیا آمد. این مطلب تأکیدی بر برکت خداست برای افرادی که در کلیسا و در میان جماعت خدا حاضر می‌شوند، خداوند هم در خلوت عمل می‌کند و هم در جماعت. در این قسمت از موعظه‌ی سر کوه، اشاره‌ی خداوند به دعاهاى شخصی است. وقتی در تنهایی خود دعا می‌کنیم خدا وارد این خلوت شده و ما را برکت می‌دهد. دستان خدا همواره به منظور مبارک ساختن ما گشوده است، چه در خلوت و چه در جماعت. آمین.

«... و پدر نهان بین تو، تو را آشکارا جزا خواهد داد.» در اینجا صحبت از «پدر نهان بین تو» است، پدری که در خلوت می‌بیند و می‌شنود. پس به واقع در خلوت با خداست که پدر آسمانی، پدر تو می‌شود. در آیه صحبت از «پاداش» نیز هست. پاداش ما چیست؟ خود آیه یکی از ابعاد این پاداش را بازگو می‌کند. پری از حضور خدا و تجلّی آن حضور مقدس در زندگی اجتماعی ما بهترین و عالی‌ترین پاداش است. حضور خدا در دعا و پرستش بالاترین پاداشی است که می‌توان دریافت کرد. به راستی چه پاداشی بالاتر از اینکه خدا در دعاهاى ما حاضر باشد و به آنچه می‌گوییم گوش دهد! او برای ورود به زندگی ما در می‌زند و ما نیز تنها با فراهم کردن محیطی خلوت و آرام می‌توانیم در را به روی او بگشاییم نه با شلوغ کردن اطرافمان. در غیر این صورت هر قدر هم دعا کنیم، حتی اگر تسبیح به دست گرفته، صبح تا شب بگوییم «عیسی - عمانوئیل» خدا توجه نخواهد کرد. متأسفانه باید گفت این مشکلی است که امروزه گریبان بسیاری از کلیساها را گرفته است.

مسیح در مورد چنین رفتارهای هشدار می‌دهد: «و چون عبادت کنید. مانند امت‌ها تکرار باطل نکنید زیرا ایشان گمان می‌برند که به سبب زیاد گفتن مستجاب می‌شوند.» مردمان بسیاری از دیرباز تاکنون بر این باور بوده و هستند که اگر کلمات یا عباراتی را فقط به کرات تکرار کنند یقیناً به گوش خدا خواهد رسید. این رفتار به نوعی زاده‌ی تفکرات جادوگرانی است که برای انجام کاری یک ورد را چندین بار تکرار می‌کردند. در حال حاضر در بسیاری از کلیساها

ابتدا چیزی را از مریم درخواست می‌کنند و سپس دعای حضرت مریم را می‌خوانند و مجدداً به تسبیح مریم ادامه می‌دهند تا شاید بدین وسیله خدا بهتر به دعای آنها گوش دهد! به راستی چنین اعمالی در نظر خداوند دارای ارزش و اعتبار است؟ انسان‌ها آنچه خود ساخته‌اند را حتی بیش از خدا دوست می‌دارند و از این رو عیسی مسیح به کاتبان و فریسیان گفت: «من به اسم پدر خود آمده‌ام و مرا قبول نمی‌کنید ولی هرگاه دیگری به اسم خود آید، او را قبول خواهید کرد.» (یوحنا ۵: ۴۳). این وضعیت اسفبار در بسیاری از کلیساها قابل مشاهده است. البته در اینجا باید یادآور شد این امکان وجود دارد که خدا به واسطه‌ی رحمت خود حتی به دعای این افراد پاسخ دهد اما این به سبب تکرار لغتی خاص و یا استفاده از تسبیح نیست بلکه به خاطر کرامت خدایی است که باران رحمت خود را بر تمامی ابنای بشر می‌باراند. در هیچ جای از کتاب مقدس نمی‌بینیم که شخصی تسبیح گرفته و خدا را با آن بپرستد. شاید کسی بر اثر نادانی این عمل را انجام دهد و به حسب رحمت بی‌حد خدا پاسخ دعاهايش را نیز بیابد اما این پرستشی نیست که مسیح از آن صحبت می‌کند، بلکه عملی است که از حوزه‌ی بت‌پرستی به قلمرو کلیسا پای نهاده است.

در آیات مذکور مسیح به ما دو تذکر جدی می‌دهد: ۱. هنگام دعا مانند فریسیان رفتار نکنید. ۲. موقع عبادت خدا همچون امت‌ها (بت‌پرستان) تکرار باطل و بی‌پوده نکنید. زیرا این رفتارها در نظر خدا فاقد ارزش است. چنین دعاهایی خدا را ملزم به گوش دادن نمی‌کند بلکه او تنها به دعاهایی گوش می‌دهد که به مدد روح‌القدس انجام می‌گیرد. در یوحنا ۴: ۲۱-۲۳ می‌خوانیم: «عیسی بدو گفت: ای زن مرا تصدیق کن که ساعتی می‌آید که نه در این کوه و نه در اورشلیم پدر را پرستش خواهید کرد. شما آنچه را که نمی‌دانید می‌پرستید اما ما آنچه را که می‌دانیم عبادت می‌کنیم زیرا نجات از یهود است. لیکن ساعتی می‌آید بلکه الان است که در آن پرستندگان حقیقی پدر را به روح و راستی پرستش خواهند کرد زیرا که پدر مثل این پرستندگان خود را طالب است.» چقدر به کلام مسیح دقت کردید؟ آیا او می‌گوید ساعتی

خواهد آمد که مردم خدا را با دانه‌های تسبیح و تکرار دعاهایی که فلان حضرت و فلان قدیس بر ثواب آنها تأکید کرده، خواهند پرستید یا اینکه می‌گویند پرستندگان حقیقی پدر را به روح و راستی خواهند پرستید؟ مسیح از وقوع چنین انحرافات در پرستش خدا مطلع بود و برای اینکه راه را پیش پای ایمانداران حقیقی روشن سازد این سخنان را به زبان آورد.

در آن زمان یهودیان دوست داشتند سنت‌های خود مانند ختنه و ... را وارد کلیسا کنند و بت‌پرستان نیز علایق گذشته‌ی خود نظیر تسبیح زدن و ... را با رنگ و لعابی روحانی به کلیسا وارد کردند. شاید عده‌ای بسیاری ندانند و آگاه نباشند اما خدا را شکر که به ما نشان داده شده که به سبب زیاد گفتن مستجاب نخواهیم شد و صرف خواندن یک مزمور دعايمان به اعلی‌علیین نخواهد رسید. به یاد داشته باشید که گاهی حتی مقدس‌ترین چیزها به دامی برای ما تبدیل می‌شوند، چیزهایی مانند مار برنجین. گرچه در زمان موسی خداوند فرمود افراد گزیده شده توسط مارها، با نگاه کردن به مار برنجین شفا خواهند یافت اما می‌بینیم که چند صد سال بعد بنی‌اسرائیل این مار برنجین را به عنوان خدا مورد ستایش قرار می‌دهند. در نهایت حزقیای پادشاه آن مار برنجین را که موسی به دستور خدا ساخته بود، شکست و از بین برد. (دوم پادشاهان ۴:۱۸). امروزه نیز دعای ربانی می‌تواند حکم مار برنجین را برای ما داشته باشد پس باید چشمان خود را کاملاً باز کنیم.

در آیات فوق خواندیم که پرستندگان حقیقی، خدا را به روح و راستی می‌پرستند چون این روح‌القدس است که با هدایت‌های خود، ما را به سمت دعاهایی که مقبول خداوند است، سوق می‌دهد. وقتی به روح دعا کنیم خدا به آن توجه می‌کند اما او الزامی به شنیدن مطالبی که به صورت ورد تکرار می‌شوند، ندارد. اگر خدا به چنین دعاهایی گوش می‌دهد صرفاً از روی رحمت بی‌پایانش است و این را یقین بدانید که هیچ کس با تکرارهای باطل نمی‌تواند نظر خدا را جلب کند. مگر خدا فراموشکار است که با تکرار عباراتی خاص، چیزهایی را به او یادآوری کنیم؟ اگر چنین بود مسیح نمی‌گفت: تکرار باطل نکنید. دعا فرصتی برای برقراری ارتباط با خداست.

خواندن ادعیه و حتی مزامیر به این دلیل نیست که ثواب دارد و خدا به واسطه‌ی آنها به دعای ما توجه می‌کند. تسبیح زدن همراه با تکرار انواع ذکرها نه تنها نظر خدا را جلب نمی‌کند بلکه نوعی توهین به اوست زیرا با این رفتار عملاً به خدا می‌گوییم که تو فراموشکار هستی و ما با تکرار فلان جمله، مطلبی را به تو یادآوری می‌کنیم. چنانچه روزی هزار بار هم بگوییم «یا عیسی» اتفاقی نخواهد افتاد زیرا این شیوه‌ی بت پرستان است. آیا پرستندگان بعل را به خاطر دارید؟ بنا به شهادت کلام خدا، آنها از صبح تا ظهر فریاد می‌زدند: «... ای بعل ما را جواب بده... لیکن هیچ صدا با جوابی نبود...» (اول پادشاهان ۱۸: ۲۶). اما در مقابل ایشان ایلای نبی، آن مرد خدا تنها یک بار گفت: «مرا اجابت فرما ای خداوند! مرا اجابت فرما تا این قوم بدانند که تو یهوه خدا هستی...» (اول پادشاهان ۱۸: ۳۷). و آن هنگام بود که آتش الهی نه تنها قربانی سوختنی بلکه هیزم، سنگ‌ها، خاک و حتی آب خندق را نیز در خود فرو برد. (آیه‌ی ۳۸).

برخی بر این باورند که با تکرار کلماتی چون هلولیا، روح القدس در دعاهاشان نازل می‌شود. در گذشته وضعیت کلیساهای اروپایی از این هم بدتر بود تا جایی که اگر کسی به زبان‌ها دعا می‌کرد، دیگران به آن گوش می‌دادند و همان جملات را تکرار می‌کردند تا گفته شود که فلانی هم به زبان‌ها دعا کرده است. کلام خدا ما را از تکرار باطل منع می‌کند زیرا این عمل باعث ایجاد حالت خلسه می‌شود و متأسفانه بعضاً دیده می‌شود که عده‌ای این حالت را با یک تجربه‌ی حقیقی از دعا در روح، اشتباه می‌گیرند. خدا به این تکرارهای باطل نیازی ندارد زیرا او می‌تواند حتی در خلوت‌ترین مکان‌ها نیز ما را ببیند. در مزمور آمده است که حتی اگر در اعماق زمین مخفی شوم، خداوند تو آنجا هستی و هیچ فکری در ذهن من نیست که تو از قبل آن را ندانسته باشی، پس خدا در خفا نیز ما را می‌بیند و حتی پیش از اینکه چیزی بخواهیم، از نیاز ما آگاه است. ایماندار نباید چون فریسیان باشد که با عبادت در ملاء عام سعی داشتند خود را مقبول خدا سازند؛ نباید مثل افرادی باشد که می‌خواهند با در دست گرفتن کتاب‌های دعا و تسبیح‌های زیبا به جایی برسند. پیش از اینکه چیزی از خدا بطلبیم او از نیاز ما آگاه است و بازگو کردن

این نیازها تنها فرصتی است برای ارتباط با پدر آسمانی و شنیدن آواز خدا. خداوند نیاز ندارد با تکرار، مطلبی را برایش یادآوری کنیم؛ او ما را به تداوم و استمرار در دعا دعوت می‌کند نه تکرار ذکرهایی باطل که برخاسته از رفتار جادوگران است. در ترجمه‌ی قدیمی کتاب مقدس چنین آمده است: «خداوند را با تسبیح عبادت کنید.» به یاد دارم برادری با برداشت نادرست از این آیه، تسبیح به دست می‌گرفت و دعا می‌کرد. او در جواب ما می‌گفت: «خداوند در مزبور این را گفته است و من اطاعت می‌کنم.» اما باید گفت که این دستور خداوند نبود بلکه مشکل ترجمه‌ی قدیمی کتاب مقدس بود. ترجمه‌ی صحیح آن آیه چنین است: «نام خداوند را با ستایش بخوانید.» تکرارهای باطل خدا را می‌آزارد. اگر بارها و بارها مکرراً بگوییم یا عیسی، یا عیسی، یا عیسی و یا مریم، یا مریم و... نه تنها دعا نمی‌کنیم بلکه در اصل به خدا اهانت می‌کنیم. به فیض خدا در این قسمت از موعظه‌ی سر کوه به بررسی شرایط مؤثر در یک دعای خوب پرداختیم و متوجه شدیم که چگونه باید در حضور خدا حاضر شد. آیا باید در انتظار دعا کرد یا در خلوت؟ باز تأکید می‌کنم که موضوع صحبت مسیح و بحث ما دعاهای شخصی بود نه مشارکت. آیا می‌توان خدا را با استفاده از یک رشته تسبیح، یک کتاب دعا، یک سجاده‌ی زیبا و یا تکرار حدیثی که صدها سال پیش نوشته شده است راضی نمود؟ خدا روح است و در همه جا حضور دارد و تنها به دعای کسانی گوش می‌دهد که او را در روح و راستی عبادت کنند. او با انسان مذهبی رابطه نخواهد داشت. خداوند فقط در قید کلام خود است پس از آنچه مکتوب است تجاوز نکنید تا مقبول او واقع شوید.

فیض خداوند با شما باد. آمین.